

آدمک

مجموعه شعر (کلاسیک. نیمایی و ترانه)

محمد رضا صابقی

سرشناسه : صامتی، محمدرضا، ۱۳۶۰ -
عنوان و نام : آتمک: مجموعه شعر (کلاسیک، نیمایی و ترانه)/محمدرضا
پدیدآور : صامتی.
مشخصات نشر : تهران: کاکتوس، ۱۳۹۰.
مشخصات : ۱۱۲ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵۱ س.م.
ظاهری
شابک : ۲۰۰۰۰ ریال: ۵-۰۳-۶۱۵۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست : فیبا
نویسی
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره : PIR ۸۱۳ / الف ۴۴۱۸۱۲ ۱۳۸۹
رده بندی لیویی : ۱/۶۲۸
شماره کتابشناسی : ۶۱۶۸۴۲۲
ملی
تاریخ درخواست : ۱۳۸۹/۲۱/۲۰
تاریخ پاسخگویی : ۱۳۸۹/۱۲/۰۷
کد پیگیری : ۲۲۴۷۴۰۰



انتشارات کاکتوس

نام کتاب: آتمک

مؤلف: محمدرضا صامتی

طراح جلد: مریم خزانی

چاپ متن: الجواد

نوبت چاپ اول: ۱۳۹۰

تعداد صفحات: ۸۰

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: ۵-۰۳-۶۱۵۲-۶۰۰-۹۷۸

آدرس ناشر: خیابان کارگر شمالی خیابان نصرت کوی باغ نو کوی داوود آبادی
پلاک ۳

e-mail: nashrelectus@gmail.com

فکس: ۶۶۴۳۴۹۵۱ : ۶۶۹۰۱۵۷۲

Internet Address: www.nashrelectus.com



فهرست مطالب

۵	دیباچه ناشر
۷	آفتاب
۹	کافی شاپ
۱۳	چه سخته
۱۶	هوس
۱۸	افیون
۲۱	آینه
۲۴	مثنوی عشق
۲۷	آقایی
۳۰	سبیه پوشان (به یاد حافظ)
۳۲	آدمک
۳۵	شعر شکایت
۳۸	آشتی
۴۱	دو روز دنیا
۴۴	فرهاد
۴۶	وفا
۴۸	گذشت
۵۱	غسلِ مرغ
۵۴	گناه
۵۵	شعر چشمات
۵۸	مرا بشناس
۶۰	شهر جورواجور
۶۲	صحنه

۶۵	نقطه بازی.....
۶۷	ول کن این غمو.....
۷۰	رییس سنگا.....
۷۲	همخونه.....
۷۵	انسان.....

www.ketab.ir

دیباچه ناشر

چه زیبا باشد آن راز نهانی آدمیزاد

چه بی پروا نغمه می سازد پریزاد

در تمامی طول تاریخ کهن ایران زمین باید جستجو کرد. آفتاب در مشرق زمین حضور روشنتری دارد بدین منظور مهر در سرتاسر تاریخ ادبیات ایرانزمین حضور پررنگتری اعلام کرده است. حافظ قشنگ می گوید:

مرید پیر مغاتم ز من مرنج ای شیخ

چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد

منظور حافظ در این بیت از شیخ نماد واعظانی است که باعث بدنمایی واعظان خوشنام می شدند و به کلام خود عمل نمی کردند و پیرمغان همان نماد مهر است نماد عشق است. در سرتاسر تاریخ ایرانزمین به دوستی و عشق بین آدمیان توجه قابل ملاحظه ای را می بینیم.

بشنو از نی چون حکایت می کند

وز جدایی ها شکایت می کند

جدایی همان عمل منافقانه است که در قرآن به آن اشاره شده است. اعمالی که باعث جدایی انسانها و اشاعه فرهنگ بدبینی و سیاهنگری در بطن اجتماع می شود. در نتیجه بجای اینکه عشق و مهر و دوستی در سرتاسر جریان اجتماع جاری شود فضای مسموم و بدبینی پیکره اجتماع را در بر می گیرد.

شاعر به فغان بر می خیزد زیرا می خواهد عاشق باشد می خواهد مهربان باشد می خواهد دیگران را دوست داشته باشد ولی فضای مسموم جامعه او را بدر می آرد. بعضی مجموعه های شعری بیش از هر چیزی واکنشهای درد را حکایت دارد.

در قلب عاشق محمدرضای عزیز نیز بخوبی می توان عشقی سوزان را مشاهده کرد که فریادش را در مجموعه آدمک او می توان دید.

بسوزون پرده سرما رو امشب

که فردا روز میعاد تگرگه
غروب عصر فردا در کمین
صدای آخرین فریاد برگه

برای مثال در این چهارپاره آدم یاد زمستان زنده یاد اخوان ثالث می‌افته که
درد سردی رابطه‌ها را به فغان تبدیل می‌سازد. یا در جایی دیگر فروغ درد
از خاموش بودن چراغ رابطه‌ها دارد که در اصل بیاتگر سردی رابطه‌ها
می‌باشد.

گردنده دهر کاینچنین شادآر است
از بابت عشق تو و من پایرجاست
در حال چنین قلاده در نشئه می
حسنّت منظر پاک جانان آراست

تمامی پدیده‌ها در چرخه هستی حکایت از دوستی و صلح میان آدمیان دارند
بدین معنا که از حرکتهای منافقانه دور شده و سعی در خویشی و نزدیکی
بین گروه‌ها و نگرشهای مختلف شود.

یک پیام پنهانی در ذات آدمیزاد همواره حکایت از دوستی‌ها دارد. این پیام
به شکلهای و نموده‌های مختلف از بیکرانگی داد سخن سر داده برای مثال
بتّهون با ویلن، داوینچی با نقاشی‌ها و مجسمه‌هایش و مولانا و حافظ با
اشعار عمیق جاودانه خویش زیبا بودن هدف هستی را بتصویر کشانده‌اند.

سهم تمدن ایرانزمین در هنر و معنویات همواره زیانزد عام و خاص بوده
و افتخار داریم که در این سرزمین کهن پا به عرصه وجود نهاده‌ایم.
از خوانندگان عزیز تقاضا می‌شود برای بهبود کمی و کیفی از هرگونه
پیشنهاد سازنده دریغ نورزند.

با سپاس آرش نیلگون